



عکس از آرشیو دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد

شهید بهشتی از طرف امام (ره) پیغام آورد: مدت‌هاست منتظر چنین طرحی هستیم روایتی از تشکیل جهاد سازندگی در ایران

■ نوید جعفر نژاد

بهترین کمک

در اولین روزهای اسفند 1357 در حالی که هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود، حدود ده پانزده نفر از دانشجویان انقلابی نزد امام رفتند و گزارشی از وضعیت دانشگاه‌ها ارائه کردند. پیشنهاد امام به این جمع، سامان دادن دانشگاه‌ها بود. امام در همان جلسه دکتر ابراهیم یزدی را به عنوان رابط خود با این دانشجویان -که خود از منتقدان دولت بازرگان بودند- انتخاب کرد. بنابراین جلسه بعد،

در دفتر نخست وزیری و با حضور ابراهیم یزدی و مهندس بازرگان برگزار شد، در حالی که دانشجویان مسلمان انقلابی حتی حاضر نبودند روی مبل‌های دفتر نخست وزیری بنشینند. بازرگان بعد از این که از آنان خواست «این لوس بازی‌ها را کنار بگذارند»، با لحنی مطالبه‌آمیز به آنان پیشنهاد داد: «بهترین کمک شما جوانان این است که در کار ما دخالت نکنید و سراغ درس و دانشگاه بروید.

حکومت داری کار هر بچه ای نیست.» اما دانشجویان جدی‌تر از این بودند که میدان را خالی کنند. بازرگان پیشنهاد دیگری داد: «اگر

شما می‌خواهید به دولت موقت کمک کنید، بیاپید آتش‌های فتنه که سراسر کشور را فرا گرفته، خاموش کنید و با جدایی طلبان، مبارزه فکری و سیاسی کنید».

برنامه‌ریزی برای مقابله

پیشنهاد چنان کار نزدیک به محالی که می‌توانست هم‌ارز همان پیشنهاد به‌خانه‌رفتن و کنارنشستن تلقی شود، دانشجویان مسلمان را به تکاپو انداخت. نماینده‌ای برای کسب اخبار رسمی از منابع محرمانه تعیین کردند و با شیوه مدیریت غیرمتمرکز، مناطق آشوب‌زده

بازرگان با لحنی مطالبه‌آمیز به آنان پیشنهاد داد: بهترین کمک شما جوانان این است که در کار ما دخالت نکنید و سراغ درس و دانشگاه بروید. حکومت داری کار هر بچه ای نیست

را مورد مطالعه و پیگیری قرار دادند و به هر منطقه نمایندگانی فرستادند. دانشگاه صنعتی شریف متولی منطقه گنبدکاووس شد، دانشگاه امیرکبیر متولی منطقه کردستان، دانشگاه شهید بهشتی بر منطقه مسجد سلیمان متمرکز شد و ... اخباری که دانشجویان به دست می‌آوردند جالب بود؛

حضور فلان افسر آمریکایی در منطقه و جلسه با سران فلان گروهک، تقسیم زمین بین مردم

توسط فلان جریان جدایی طلب و ... بچه‌ها هم در مقابل کارشان را شروع کردند؛ برگزاری مراسم در مساجد، روشنگری و ... اما این روش‌ها کافی به نظر نمی‌آمد. کار باید عمیق‌تر می‌شد و همین باعث شد دانشجویان در نشستی که ظاهراً در اردیبهشت 58 با یکدیگر داشتند، به فکر ایجاد یک سازماندهی کلان‌تر بیفتند.

راه حل اساسی

بر اساس تجاربی که پیش‌تر در روستاهای کشور انجام شده بود و چیزی که این تجربه دو سه ماهه بر آن افزوده بود و صحنه گذاشته بود، تحلیل این بود که ضعف خدمات‌رسانی به روستاها مهمترین زمینه سوء استفاده ضدانقلاب است و باید نیروهای دانشگاهی را برای خدمت‌رسانی به

روستاهای کشور بسیج کرد. ایده در جمع مقبول افتاد و طرحی بر این اساس نوشته شد. اسمش را هم گذاشتند «جهاد برای سازندگی روستا».

طرح از طریق شهید بهشتی به امام تقدیم شد. و شهید بهشتی نتیجه را این‌گونه اعلام کرد: امام گفتند «من مدت‌هاست منتظر چنین فکری هستیم. خیلی خوب

است. بروید مقدمات را فراهم کنید و من هم فرمان می‌دهم». پیام امام در 26 خردادماه 58

تحلیل این بود که باید نیروهای دانشگاهی را برای خدمت‌رسانی به روستاهای کشور بسیج کرد. طرحی بر این اساس نوشته شد. اسمش را هم گذاشتند «جهاد برای سازندگی روستا»

شهید بهشتی نتیجه را این‌گونه اعلام کرد: امام گفتند من مدت‌هاست منتظر چنین فکری هستم. خیلی خوب است. بروید مقدمات را فراهم کنید و من هم فرمان می‌دهم